

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



چهل حدیث از امام علی علیه السلام

چهل حدیث از امام علی علیه السلام
ترجمه و تدوین: اداره امور فرهنگی معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
شاعر: حسین ابراهیمی.
مشهد: آستان قدس رضوی؛ ۱۳۸۵.
۴۸ ص.- (انتشارات آستان قدس رضوی، ۸۶۲)
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۲-۰۹۶۸-۴
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
۱. علی بن ابی طالب علیه السلام، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. احادیث.
۲. اربعینات - - قرن ۱۴.
۳. احادیث شیعه - - قرن ۱۴.
۴. شعر مذهبی - - قرن ۱۴.
الف. آستان قدس رضوی، اداره امور فرهنگی معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی.
د. (انتشارات آستان قدس رضوی).
ه. عنوان.

۲۹۷/۹۵۷

BP ۴۷/۲/ج۹

۱۵۸۵۸-۸۶ م

کتابخانه ملی ایران



چهل حدیث از حضرت امام علی علیه السلام (همای رحمت)
ترجمه و تدوین: اداره امور فرهنگی آستان قدس رضوی

شاعر: دکتر حسین ابراهیمی

مدیر هنری و طراح گرافیک: رضا باباجانی

صفحه آرای: محمود بازدار

نوبت چاپ: چهارم - ۱۳۹۰

شمارگان: ۲۰۰۰

ناشر: انتشارات قدس رضوی

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۲-۰۹۶۸-۴

چاپ: مؤسسه فرهنگی قدس

نشانی تهیه کننده: مشهد، حرم مطهر، صحن جامع رضوی

ضلع غربی، اداره امور فرهنگی تلفن: ۰۵۱۱-۲۰۰۲۵۶۷

صندوق پستی: ۳۵۱-۹۱۷۳۵

حق چاپ محفوظ است.



- ۱ زینت فقر و زیبایی
- ۲ صدقه
- ۳ بهترین بی نیازی
- ۴ غنیمت مجال
- ۵ قلب و زبان
- ۶ سرمایه ی عقل
- ۷ فضیلت علم
- ۸ حاجت
- ۹ آیین معاشرت
- ۱۰ کمال عقل
- ۱۱ استغفار
- ۱۲ جهل دانش
- ۱۳ ناتوان ترین مردم
- ۱۴ پاداش بخشنده گی
- ۱۵ اندک بسیار
- ۱۶ دانش
- ۱۷ روز عدل
- ۱۸ برترین دارایی
- ۱۹ نشانه ی مؤمن
- ۲۰ سخت ترین گناه



بد گمانی	۲۱
گوهر ایمان	۲۲
ادب	۲۳
آشکار و نهان	۲۴
عزت نفس	۲۵
غیبت	۲۶
بدترین دوست	۲۷
دادرسی مردم	۲۸
عظمت خالق	۲۹
کار پنهانی	۳۰
داد و ستد با یار	۳۱
شاهد و حاکم	۳۲
احترام پدر و استاد	۳۳
گوهر علم	۳۴
ارزش انسان	۳۵
خودپسندی	۳۶
حکمت های تازه	۳۷
واجب و مستحب	۳۸
عطای اندک	۳۹
معرض اتهام	۴۰

به نام خداوند مهرآفرین

پیامبر اعظم ﷺ و خاندان پاکش علیه السلام فرمانروایان اقالیم سخن اند، سخن در کام آسمانی آنان نرم تر از آب، در جان جویباران است. جوشش سخن از لبان گوهر بار آنان، چونان جوشش نور از چشمه‌ی خورشید است. آنان بر خلاف دیگران، دانش را از منابع بشری و از لابلای کتاب‌ها در نیافته‌اند، بلکه شاهد علم را دست شاهد علیم علام، در کامشان ریخته است. علم آنان از مقوله‌ی علم حضوری است، نه از جنس علم حصولی. چیزی نزد آنان ناپیدا نیست تا با کاوش و جست‌وجو پیدایش کنند.

در زیارت جامعه‌ی کبیره در وصف اهل بیت علیه السلام به توصیفاتى برمی‌خوریم که در خور فهم ما، عظمت اندیشه و دانش آنان را باز می‌نمایاند. توصیفاتى چونان: گنجینه داران علم، گنجوران دانش، نور و برهان الهی، نگاه داران راز الهی، خزانه داران علم خداوندی، ودیعه داران حکمت ربانی، زبان‌های وحی الهی، میراث داران نبوت و... از جمله توصیفاتى است که از آن بزرگان بی‌نظیر، ارائه شده است. تردیدی نیست که برای دست‌یابی به سرچشمه‌ی دانش و معدن حکمت، باید رو به درگاه آن بزرگان نهاد و گوهر علم و حکمت را در نزد آنان جست. و از این منظر، بازخوانی سخنان گهربار امامان هدایت، ضرورتی فرا زمانی است که در هر روزگار و زمانی می‌تواند فرزندان آن روزگاران را به اندیشه‌ی درست و مسیر حق، راهنمون سازد. و شاید به همین دلیل است که در روایات، تأکید فراوانی بر حفظ احادیث پیامبر ﷺ و اهل بیت آن حضرت شده است و حفظ

و انتقال احادیث، ارجح و اهمیتی فراوان یافته و پاداش بهشت برای آن مقرر گردیده است.

روشن است که انتقال و حفظ احادیث معصومین علیهم السلام به معنای حفظ و اشاعه‌ی گوهرهای بی بدیلی از دانش و حکمت است که از معدن الهی آن استخراج شده و همواره همچون چراغی روشن، راه فرزندان آدم را نورافشان می‌کند.

مخاطبان ارجمند می‌دانند که حفظ چهل حدیث، مورد تأکید پیامبر اعظم اسلام صلی الله علیه و آله و توجه ویژه‌ی عالمان دین بوده است، به گونه‌ای که کتاب‌های اربعین حدیث، مجلدات قابل توجهی از آثار عالمان بزرگ دینی را به خود اختصاص داده و امام راحل قدس سره نیز با نگاشتن کتاب اربعین به این مهم اهتمام ورزیده اند.

اداره امور فرهنگی آستان قدس رضوی با توجه به این مهم برآن شد که اربعینی از سخنان امام علی علیه السلام را در مجموعه‌ای کوچک، به پیشگاه دوستداران و پیروان آن حضرت، تقدیم کند تا مؤمنان از خورشید پر فروغ اندیشه‌ی آن حضرت، خوشه‌های نور بچینند و از فروغ عالم آرای آن، بهره ور گردند. و در ذیل احادیث، اشعاری با نگاه به سخنان آن حضرت آورده شده است. امید است که دوستداران آن حضرت ما را از پیشنهادها و انتقادهای خود بی بهره نگذارند.

آستان قدس

معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

اداره امور فرهنگی



قال علي بن ابي طالب:

الْعَفَافُ زِينَةُ الْفَقْرِ وَالشُّكْرُ زِينَةُ الْغِنَى

پاکدامنی زینت فقر و شکرگذاری زینت بی نیازی است.

(نهج البلاغة، حکمت ۶۸)

آذین بده با حضور خود هستی را
با پاکی خویشتن تهیدستی را
گر سهم تو شد توانگری شاکر باش
از یاد ببر غرور و سرمستی را



قلْ عَمَّ لِلَّهِ

اَسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ

روزی را با صدقه فرود آورید.

(نهج البلاغه، حکمت ۱۳۷)

می خواهی اگر رزق فراوان برسد
از ابر کرم بارش باران برسد
باید که گشاده دستی ات همچون رود
جاری شود و به تنگدستان برسد



قال علي بن ابي طالب:

أَشْرَفُ الْغِنَى تَرْكُ الْمَنَى

بهترین بی نیازی، ترک آرزوهاست.

(نهج البلاغة، حکمت ۳۴)

هر چند به سعی و جستجو همت کرد
در معرفت مقام «هو» همت کرد
هرگز به صفای بی نیازی نرسید
جز آنکه به ترک آرزو همت کرد



قل عام اليه

إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غُرْبَةٌ

از دست دادن فرصت، اندوهبار است.

(نهج البلاغة، کلمات قصار ۱۱۸)

تا چند دریغ بیش و کم خواهی خورد
پلکی نزده نقش عدم خواهی خورد
امروز مجال خود غنیمت بشمار
فرصت مده از دست که غم خواهی خورد



قال علي بن ابي طالب:

لِسَانُ الْعَاقِلِ وَرَاءَ قَلْبِهِ وَ قَلْبُ
الْأَحْمَقِ وَرَاءَ لِسَانِهِ

زبان عاقل پشت قلب او و قلب احمق پشت زبان اوست.

(نهج البلاغة ، حکمت ۴۰)

رازی که خردمند نھان می دارد
گر خواست دلش، زبان بیان می دارد
نادان سبک مغز، دلش را اما
بازیچه ی چرخش زبان می دارد



قل عام الفل:

لَا غِنَى كَالْعَقْلِ وَلَا فَقْرَ كَالْجَهْلِ وَلَا
مِيرَاتَ كَالْأَدَبِ وَلَا ظَهِيرَ كَالْمُشَاوَرَةِ

هیچ ثروتی چون عقل و هیچ فقری چون نادانی نیست؛ و هیچ ارثی چون ادب و هیچ پشتیبانی چون مشورت نیست.

(نهج البلاغة، حکمت ۵۴)

از عقل و خرد ثروتی افزونتر نیست
جهل است چو فقر و هیچ از آن بدتر نیست
میراث گران‌تر از ادب کس نگذاشت
با صاحب مشورت غم لشکر نیست



قال عليه السلام:

رَأْسُ الْفَضَائِلِ الْعِلْمُ

بالاترين فضيلت ها، علم است

(غررالحكم، ص ۴۱)

گم گشته‌ی عارفان کامل علم است
مفتاح و کلید هرچه مشکل علم است
بر طاق بلند آسمان حک شده است
سر لوحه‌ی دفتر فضایل علم است



قُلْ عَالِمُ الْغَيْبِ

فَوْتُ الْحَاجَةِ أَهْوَنُ مِنْ طَلِبِهَا لَيْ غَيْرِ أَهْلِهَا

از دست دادن حاجت بهتر از در خواست کردن از نااهل است.

(نهج البلاغه، حکمت ۶۶)

جز درگه ذات کبریای رحمان
نااهل ترینند همه اهل جهان
حاجات تو چون کبوترانت هستند
آن را لب هر بام رسیدی نشان



قال عليه السلام:

خَالَطُوا النَّاسَ مُخَالَطَةً إِنْ مِتُّمْ مَعَهَا بَكَوْا
عَلَيْكُمْ وَإِنْ عِشْتُمْ حَنُّوا إِلَيْكُمْ

با مردم آن گونه معاشرت کنید که اگر مرید بر شما اشک
ریزند و اگر زنده ماندید با اشتیاق سوی شما آیند.

(نهج البلاغه، حکمت ۱۰)

خواهی همه محو سکناات باشند
دلباخته‌ی حسن صفات باشند
با اهل جهان چنان پیامیز که خلق
شاد از تو و گریان ز وفات باشند



قُلْ عَلَى اللَّهِ

إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ

چون عقل کامل گردد، سخن اندک شود.

(نهج البلاغة، حکمت ۷۱)

گر تیغ زبان تو را فراهم گردد
بسیار نزن که ناگهان خم گردد
این نکته‌ی نغز را به خاطر بسیار
چون عقل فزون شود سخن کم گردد



قال عليه السلام:

عَجِبْتُ لِمَنْ يَفْنُطُ وَمَعَهُ الْاِسْتِغْفَارُ

در شگفتم از کسی که می تواند استغفار کند و نا امید است.

(نهج البلاغه، حکمت ۸۷)

از حاصل عمر هر چه چیدی نبری
جز پشت خم و موی سپیدی نبری
تا پرتو توبه در جهان مینابد
از درگه دوست ناامیدی نبری



قل عالم بالله

رَبِّ عَالِمٍ قَدْ قَتَلَهُ جَهْلُهُ وَعِلْمُهُ
مَعَهُ لَا يَنْفَعُهُ

چه بسا دانشمندی که جهلش او را از پای درآورد و دانش او
همراهش باشد اما سودی به حال او نداشته باشد.

(نهج البلاغه، حکمت ۱۰۷)

بسیار کسان که علم آموخته‌اند
در شعله‌ی جهل خویشتن سوخته‌اند
با بار گران به دوش رفتند ولی
بی بهره از آنند که اندوخته‌اند



قال عليه السلام:

أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اخْتِسَابِ الْإِخْوَانِ
وَأَعْجَزُ مِنْهُمْ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ ظَفَرَ بِهِ مِنْهُمْ

ناتوان ترین مردم کسی است که در دوست یابی ناتوان است
و از او ناتوان تر آن که دوستان خود را از دست بدهد.

(نهج البلاغة یا حکمت ۱۲)

درمانده کسی که رستگاری نگرفت
با هیچ کسی طریق یاری نگرفت
درمانده تر آن کس که اگر یاری یافت
با او روش نگاهداری نگرفت



قل عام الله

مَنْ يُعْطِ بِالْيَدِ الْقَصِيرَةِ يُعْطِ بِالْيَدِ الطَّوِيلَةِ

آن کس که با دست کوتاه ببخشد از دستی بلند پاداش گیرد.

(نهج البلاغة، حکمت ۲۳۲)

بخشنده شوی بهار می‌بخشندت
یک دشت شکوفه زار می‌بخشندت
گر قطره‌ای و طریق باران گیری
سرشاری آبشار می‌بخشندت

قال علي عليه السلام:

قَلِيلٌ تَدْوُمٌ عَلَيَّهِ أَرْجَى مِنْ
كَثِيرٍ مَمْلُوءٍ مِنْهُ

کار اندکی که ادامه یابد از کار بسیاری که از آن به ستوه آیی
امیدوار کننده تر است.

(نهج البلاغه، حکمت ۲۷۸)

خیری که اگرچه اندک و کم باشد
پر قدر شود اگر دمامد باشد
بہتر ز ہزار امر دشواری کہ
مستلزم رنج و محنت و غم باشد



قلْ عَالِمُ اللَّيْلِ

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَبْدًا حَظَرَ عَلَيْهِ الْعِلْمَ

هرگاه خدا بخواهد بنده ای را خوار کند، دانش را از او دور سازد.

(نهج البلاغة، حکمت ۲۸۸)

آن بنده که نامبارک و شوم شود
در دیده‌ی خلق، طرد و مذموم شود
بر او بزنند نقش ذلت-یعنی-
از دسترسی به علم محروم شود



قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ:

يَوْمُ الْعَدْلِ عَلَى الظَّالِمِ أَشَدُّ مِنْ يَوْمِ
الْجَوْرِ عَلَى الْمَظْلُومِ

روز انتقام گرفتن از ظالم، سخت تر از ستمکاری بر مظلوم است.

(نهج البلاغة، حکمت ۳۴۱)

آن روز که عدل و داد در کار رود
بر هر چه عمل هر چه سزاوار رود
دشوارتر از ستم به مظلوم بود
تاوان ستم که بر ستمکار رود



قل عام الفل

الْغِنَى الْكَبْرُ الْيَأْسُ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ

برترین دارایی، نو میدی از آنچه در دست مردم است.

(نهج البلاغه، حکمت ۳۴۲)

می خواهی اگر زپاکبازان گردی
در عشق حریف دلنوازان گردی
گر چشم پیوشی از نصیب دگران
سر حلقه‌ی جمع بی نیازان گردی



قال علي بن ابي طالب:

الْمُؤْمِنُ دَائِمٌ الذِّكْرُ كَثِيرُ الْفِكْرِ
عَلَى النُّعْمَاءِ شَاكِرٌ وَفِي الْبَلَاءِ صَابِرٌ

مؤمن پیوسته به یاد خدا و مدام در حال اندیشه است، بر نعمت های خدا سپاسگذار و در گرفتاری ها شکیباست.

(غررالحکم، ص ۹۰)

با لذت ذکر، هر کسی دمساز است
همواره لبش به شکر نعمت باز است
در رنج و بلا رسم شکیبایی داشت
پیوسته به سوی دوست در پرواز است



قل عام الف

أَشَدُّ الذُّنُوبِ مَا اسْتَهَانَ بِهِ صَاحِبُهُ

سخت ترین گناه آن است که گناهکار آن را کوچک شمارد.

(نهج البلاغة، حکمت ۳۴۸)

باران کرم به روز و شب می بارد
شرط است کسی دست دعا بردارد
دانی چه خطایی از همه سخت تر است
آن را که خطا کار خفیف انگارد



قال عليه السلام:

لَا تُظَنَّ بِكَلِمَةٍ خَرَجَتْ مِنْ أَحَدٍ سُوءًا
وَأَنْتَ تَجِدُ لَهَا فِي الْخَيْرِ مُحْتَمَلًا

شایسته نیست به سخن کسی گمان بد ببری در حالی که می
توان برای آن برداشتی نیکو داشت.

(نهج البلاغه، حکمت ۳۶۰)

خود را کسل از فکر پریشان نکنی
با سوء نظر نزار و نالان نکنی
وقتی که میسر است تفسیر نکو
تفسیر بد از کلام یاران نکنی



قُلْ عَالِمُ الْغَيْبِ

الْمُؤْمِنُ صَدُوقُ اللِّسَانِ بِذُورِ الْإِحْسَانِ

مومن، بسیار راستگو و بسیار بذل کننده‌ی احسان است.

(غررالحکم، ۸۹)

هر کس که نشان راستگویان دارد
پیوسته مرام بذل و احسان دارد
از این دو صفت نیک عیان می گردد
در سینه ی خود گوهر ایمان دارد



قال علي بن ابي طالب:

كَفَاكَ اَدْبًا اَلنَّفْسِ كَ اِجْتِنَابُ مَا تَكْرَهُهُ
مِنْ غَيْرِكَ

تو را ادب این بس که هر آنچه را در دیگران بد می دانی، خود را نیز از آن دور سازی.

(نهج البلاغه، حکمت ۴۱۲)

می خواهی اگر نام بلندت آید
باید که از این کلام، پندت آید
رسم ادب آن است که پرهیز کنی
از آنچه زغیر، ناپسندت آید



قلْ عَالِمٌ

مَنْ أَصْلَحَ سِرِّيَّتَهُ أَصْلَحَ اللَّهُ عِلْمِيَّتَهُ وَمَنْ عَمِلَ
لِدِينِهِ كَفَاهُ اللَّهُ أَمْرَ دُنْيَاهُ وَمَنْ أَحْسَنَ فِيمَا
بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ أَحْسَنَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ

کسی که نهان خود را اصلاح کند خدا آشکار او را نیکو گرداند و کسی که برای دین خدا کار کند خدا دنیای او را کفایت فرماید و کسی که میان خود و خدا را نیکو گرداند خدا میان او و مردم را اصلاح خواهد کرد.

(نهج البلاغه، حکمت ۴۲۳)

پنهان و عیان تو دو نقشند عجیب
آن را چو نکو کنی نکو گردد این
با سجده به حق، قبله ی مردم گردی
دنیا بخشندت از عمل در ره دین



قال علي بن ابي طالب:

مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهَوَاتُهُ

کسی که خود را گرامی دارد هوا و هوس را خوار شمارد.

(نهج البلاغه، حکمت ۴۴۹)

هر کس که هوای نیکنامی دارد
خود را بنوازد و گرامی دارد
آن کس که بزرگی خودش را فهمید
از خواهش نفس دست برمی دارد



قل عام الله

الْغَيْبَةُ جُهْدُ الْعَاجِزِ

غیبت، تلاش آدم ناتوان است.

(نهج البلاغة، حکمت ۴۶۱)

در عرصه ی زندگی که ابر است و غبار
همت کن و پای از آب و از گل بردار
با حرف زدن پشت سر همراهان
خود را ز ردیف ناتوانان مشمار



قال علي بن ابي طالب:

شَرُّ الْأَخْوَانِ مَنْ تَكَلَّفَ لَهُ

بدترین دوست کسیست که به خاطر او به رنج افتی.

(نهج البلاغه، حکمت ۴۷۹)

آن یار که خاص و عام از او رنج کشند
ارباب جهان تمام از او رنج کشند
در حلقه ی دوستان از او بدتر نیست
هر کس دگران مدام از او رنج کشند



قلْ عَالِمُ الْغَيْبِ

مَنْ كَفَّارَاتِ الذُّنُوبِ الْعِظَامِ إِغَاثَةٌ الْمَلْهُوفِ وَالتَّنْفِيسُ عَنِ الْمَكْرُوبِ

دادرسی مردم و تسکین مصیبت دیدگان از کفاره‌ی گناهان
بزرگ است.

(نهج البلاغة، حکمت ۲۴)

می خواهی اگر بار گران بگذاری
آسوده قدم در آسمان بگذاری
باید که تو هم مرهم و فریادرسی
بر بال و پر شکستگان بگذاری



قال علي بن ابي طالب:

عِظْمُ الْخَالِقِ عِنْدَكَ يُصَغِّرُ الْمَخْلُوقَ
فِي عَيْنِكَ

بزرگی پروردگار در جانت، پدیدہ ہا را در چشمت کوچک می نماید.

(نهج البلاغة، حکمت ۱۲۹)

تا این همه رنگ در جهانت افتد
کی رنگ خدا بر آسمانت افتد
پروا نکنی زهیت مخلوقی
گر نقش جلالی اش به جانت افتد



قل عام الياء

وَاحْذَرِ كُلَّ عَمَلٍ يُعْمَلُ بِهِ فِي السِّرِّ
وَيُسْتَحَى مِنْهُ فِي الْعَلَانِيَةِ

پرهیز کن از کار پنهانی که از آشکار شدنش شرم داری.

(نهج البلاغه، نامه ۶۹)

حیف است مجال خود به غفلت ببری
با این همه ره، ره به ضلالت ببری
پرهیز کن از کار پنهانی که اگر
افشا گردد، از آن خجالت ببری



قال عليه السلام:

إِذَا أَمَلَقْتُمْ فَتَاجِرُوا لِلَّهِ
بِالصَّدَقَةِ

آن‌گاه که تنگدست و نیازمند شدید به وسیله ی صدقه دادن با خداوند تجارت کنید (تا در روزی شما گشایشی حاصل شود).

(وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۳۷۲)

رسم صدقه داد و ستد با یار است
آن یار که بر اهل جهان غمخوار است
یعنی صدقه حکم تجارت دارد
یک سو تویی و سوی دگر دادار است



قلْ عَالِمُ الْغَيْبِ

اتَّقُوا مَعَاصِيَ اللَّهِ فِي الْخَلَوَاتِ فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ

از انجام گناهان و نافرمانی‌های خدا در خلوت‌ها بپرهیزید زیرا
که بیننده، خود داور و حاکم است.

(وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۳۹)

در خلوت و در جمع هر آن‌جا هستی
در معرض چشمان تماشا هستی
در محکمه‌ای که شاهد و حاکم اوست
یک لحظه گمان مبر که تنها هستی



قال عليه السلام:

قُمْ عَنْ مَجْلِسِكَ لِأَبِيكَ وَمُعَلِّمِكَ
وَلَوْ كُنْتَ أَمِيرًا

به احترام پدر و معلم از جای خود برخیز اگر چه امیر باشی.

(مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۰۳)

می خواهی اگر ز سربلندان باشی
در روز حساب، شاد و خندان باشی
برخیز برای پدر و استادت
هرچند زمامدار دوران باشی



قل عام الله

حَسَبُ الْمَرْءِ عِلْمُهُ وَجَمَالُهُ عَقْلُهُ

گوهر آدمی علم او و زیبایی او خرد اوست.

(غرر الحکم، ص ۴۱)

با گوهر علم، سینه را دریا کن
در موج حوادث عشق را پیدا کن
زنهار فریب خال و خط را نخوری
با عقل و خرد جمال خود زیبا کن

قال علي بن ابي طالب:

قَدْرُ الرَّجُلِ عَلى قَدْرِ هِمَّتِهِ

ارزش آدمی به اندازه‌ی همت اوست.

(نهج البلاغة، کلمات قصار ۴۷)

هر کس به همان قدر که همت دارد
در نزد خدا و خلق، قیمت دارد
هرگز نبرد حاصلی از عمر عزیز
آن کس که کسالت و بطالت دارد



قل عام الله

التَّكْبَرُ يُضَعُّ الرَّفِيعَ

تکبر ورزیدن، آدم بلند مرتبه را پست می گرداند.

(غررالحکم، ۳۱۱)

زنهار! چو پاییز زمین گیر نگردی
بی آنکه بهاری گذرد پیر نگردی
با نخوت و خودپسندی و خودرایی
هان! جانب مرداب سرازیر نگردی



قال عليه السلام:

إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْأَبْدَانُ،
فَابْتَغُوا لَهَا طَرِيفَ الْحِكْمِ

همان‌طور که تن‌ها از کار خسته می‌شوند، دل‌ها نیز ملول و مانده می‌گردند، در این هنگام برای آن‌ها حکمت‌های تازه را بجویید.

(نهج البلاغه، کلمات قصار ۹۱)

آن‌سان که تن از کار گران خسته شود
دل‌های شما نیز فرو بسته شود
از حکمت تازه با طراوت گردید
تا سهم شما نشاط پیوسته شود



قلْ عَلَى اللَّهِ

لَا قُرْبَةَ بِاللَّوْافِلِ إِذَا أَضْرَّتْ بِالْفَرَادِصِ

عمل مستحب اگر به واجب زیان رساند انسان را به خدا نزدیک نمی کند.

(نهج البلاغه، حکمت ۳۹)

گر نافله زخم واجبات گردد
پرهیز از آن راه نجات گردد
از واجب و مستحب بگیر آن را که
سرچشمه ی قرب و برکات گردد



قال علي بن ابي طالب:

لَا تَسْتَحِ مِنْ إِعْطَاءِ الْقَلِيلِ، فَإِنَّ
الْحَرَمَانَ أَقَلُّ مِنْهُ

از بخشش ولو کم شرمنده مباش، که محروم کردن سائل از آن بی بهاتر است.

(نهج البلاغه، کلمات قصار ۶۷)

شرمنده‌ی کم مباش اگر می‌بخشی
دستت چو رسید بیشتر می‌بخشی
محروم کنی اگر کسی را امروز
پس کی به نهال خود ثمر می‌بخشی؟!



قل عام الف

مَنْ وَضَعَ نَفْسَهُ مَوَاضِعَ التُّهْمَةِ فَلَا
يَلُومَنَّ مَنْ أَسَاءَ بِهِ الظن

کسی که خود را در جایگاه تهمت قرار دهد، نباید جز خود را سرزنش کند.

(نهج البلاغه، حکمت ۱۵۹)

از باد، نصیب گل به جز پرپر نیست
زین صحنه برای باغ سنگین تر نیست
خود کرده هر آن که راه تهمت پیمود
اسباب ملامتش کس دیگر نیست